



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

راهکارهای عملی برای پیاده سازی رویکرد یادگیرنده محور در دبستان

روح انگیز رحیمی^۱، امیرحسین هاشمیان^۲

۱- کارشناسی مدیریت برنامه‌ریزی و آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

۲- کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان شهید مدرس ایلام

a.hashemian۳۴@yahoo.com

چکیده

در حوزه آموزش و پرورش، ابتکارات و تغییرات مداومی امری ضروری به نظر می‌رسد تا با نیازها و چالش‌های روزافزون جامعه مراقبت شود. یکی از این تحولات مهم، اتکا به رویکرد یادگیرنده محور است که به منظور بهبود کیفیت فرآیند آموزش و یادگیری، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. این مقاله سعی دارد با تمرکز بر دبستان، راهکارهای عملی برای پیاده‌سازی رویکرد یادگیرنده محور را مورد بررسی و ارائه کند. در دهه‌های اخیر، محیط‌های آموزشی با تغییرات سریع و پویا مواجه شده‌اند که نیازمند رویکردهای نوینی در فرآیند یادگیری هستند. در دبستان‌ها، نقش مربیان و معلمان بسیار حیاتی است و اجتناب از به‌روزرسانی روش‌های تدریس می‌تواند منجر به ایجاد چالش‌ها و مشکلاتی در تحول سیستم آموزشی شود. اجتماعات امروزی با تغییرات فرهنگی، فناوری، و اقتصادی روبه‌رو هستند که نیازمند تربیت نسلی هوشمند و خودآگاه است. رویکرد یادگیرنده محور با تمرکز بر تعامل فعال دانش‌آموزان با محتوا و همچنین توسعه مهارت‌های کلان و فردی، می‌تواند در پاسخ به این چالش‌ها به‌عنوان یک راهکار عملی واقعی مورد توجه قرار گیرد. در این مقاله، به بررسی چگونگی پیاده‌سازی رویکرد یادگیرنده محور در دبستان‌ها با تأکید بر راهکارهای عملی می‌پردازیم. این شامل ارائه راهنمایی‌ها و ابزارهای مفید برای معلمان، تحلیل نتایج مثبت این رویکرد در فرآیند یادگیری دانش‌آموزان، و بررسی چالش‌ها و راهکارهای مقابله با آنها می‌شود. هدف این مقاله، ارتقاء کیفیت آموزش و یادگیری در دبستان‌ها از طریق بهینه‌سازی روش‌ها و فرآیندهای آموزش با استفاده از رویکرد یادگیرنده محور است.

واژگان کلیدی: یادگیری یادگیرنده محور، یادگیرنده محور، آموزگار، استراتژی، آموزش و پرورش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

در عصر حاضر، تحولات سریع و پیچیدگی های جهانی، نیاز به یک سیستم آموزشی که توانمندی های یادگیرندگان را تقویت و آموزش ها را بازنگری کند، احساس می شود. یکی از دیدگاه هایی که به عنوان پاسخ به این چالش ها به وجود آمده است، استفاده از راهکارهای عملی یادگیری یادگیرنده محور در فرآیند آموزش و پرورش است. در دوره ابتدایی، که مرحله مهمی در مسیر یادگیری افراد است، ایجاد یک محیط آموزشی که بر اساس نیازها و توانمندی های هر یادگیرنده شکل گیری کند، امری حیاتی است. به همین دلیل، این مقاله به بررسی راهکارها و راهکارهای عملی می پردازد که مدیریت توجه به عنوان یکی از عوامل کلیدی در ارتقاء یادگیری یادگیرندگان در دوره ابتدایی، می تواند ایفا کند. تمرکز بر این نکته متمرکز است که چگونه با مدیریت توجه و تمرکز، می توان به یادگیرندگان کمک کرد تا به صورت فعال تر در فرآیند یادگیری شرکت کنند. با توجه به چالش ها و فرصت های منحصر به فرد دوره ابتدایی، این استراتژی ها به عنوان ابزارهایی قدرتمند مطرح می شوند که می توانند در ترقی کیفیت آموزش و یادگیری در این مرحله مهم تحصیلی مؤثر باشند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

در سال های اخیر تاکید فزاینده ای بر دور شدن از آموزش سنتی به سمت یادگیری یادگیرنده محور شده است. این تغییر پارادایم، انتقال قدرت از آموزگار به یادگیرنده را تشویق می کند و با یادگیرنده به عنوان یک سازنده در فرآیند آموزش و یادگیری رفتار می کند. آموزگاران که آموزش های یادگیرنده محور را ارائه می دهند، یادگیرنده را در تصمیم گیری در مورد اینکه چگونه و چه چیزی یاد می گیرند و چگونه آن یادگیری ارزشیابی می شود، شامل می شوند و به تفاوت های فردی در زمینه، علایق، توانایی ها و تجربیات یادگیرندگان احترام می گذارند و آنها را در نظر می گیرند. نقش آموزگار در کلاس های یادگیرنده محور تشویق یادگیرنده به یادگیری اکتشافی بیشتر و یادگیری از یکدیگر است. آموزگار بر ساختن وظایف واقعی تمرکز می کند که انگیزه مشارکت یادگیرنده را ایجاد می کند (Stuart, 2015).

تمرکز بر کیفیت، دسترسی و ارتباط آموزش برای دستیابی به تحول اجتماعی مورد نیاز برای توسعه اقتصادی پایدار کشور، اولویت ملی بوده است. نظام آموزشی آینده باید از دیدگاه یادگیرنده محور برای به حداکثر رساندن استانداردهای بالای یادگیری، انگیزه و موفقیت برای همه یادگیرنده، اعم از یادگیرندگان و آموزگاران شان استفاده کند. دیدگاه یادگیرنده محور با تمرکز بر شناخت و درک هر یادگیرنده در زمینه درک عمیق خود فرآیند یادگیری آغاز می شود. این تمرکز بر شناخت و احترام به یادگیرندگان فردی با بهترین پژوهشها موجود و تجربه شاغل در مورد یادگیری است (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

قرن ۲۱ شاهد انبوهی از روش های آموزش یادگیرنده محور بوده است. استفاده از روش های یادگیرنده محور در تدریس به دلیل مزایای بی شمار آن که شامل افزایش حفظ محتوا توسط یادگیرنده، ترویج تفکر انتقادی، لذت بردن از یادگیری برای یادگیرنده و ارتقای خلاقیت بود (McCombs & Whistler, 2002).

یادگیری یادگیرنده محور به سادگی به عنوان رویکردی برای یادگیری تعریف شده است که در آن یادگیرندگان تنها انتخاب می کنند که چه چیزی را مطالعه کنند، بلکه همچنین چگونگی و چرایی آن موضوع ممکن است مورد علاقه باشد. به عبارت دیگر، برخلاف تأکید بر کنترل آموزگار و پوشش محتوای آکادمیک که در بسیاری از آموزش های تعلیمی مرسوم یافت می شود، محیط یادگیری مسئولیت و فعالیت یادگیرنده را در دل خود دارد. علاوه بر این، یادگیرندگان فرآیند یادگیری را زمانی معنادارتر می یابند که موضوعات مربوط به زندگی، نیازها و علایق آنها باشد و زمانی که فعالانه درگیر ایجاد، درک و اتصال به دانش هستند (Cannon, 2000).

یادگیری یادگیرنده محور

آموزش یادگیرنده محور رویکردی در آموزش است که بر یادگیرنده تأکید دارد. از این رو یادگیرنده به یک شرکت کننده فعال در فرآیند یادگیری تبدیل می شود. این برخلاف رویکرد سنتی آموزگار محور است که در آن یادگیرنده در فرآیند یادگیری یک



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

گیرنده فعال نیست و به عنوان ظرف خالی برای پر شدن از دانش در نظر گرفته می شود. در آموزش یادگیرنده محور، نقش آموزگار بر ساخت وظایف واقعی که انگیزه مشارکت یادگیرنده را برمی انگیزد، متمرکز است. بنابراین، آموزش یادگیرنده محور به آموزگاران این امکان را می دهد که به جای به خاطر سپردن مهارت ها، یادگیرنده را بر اساس معیارهایی که در عملکرد واقعی برای آینده آنها مهم است، ارزشیابی کنند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

در سال های اخیر تاکید فزاینده ای بر دور شدن از آموزش سنتی به سمت یادگیری یادگیرنده محور شده است. این تغییر پارادایم، حرکت قدرت را از آموزگار به یادگیرنده تشویق کرده است، و با یادگیرنده به عنوان یک سازنده در فرآیند آموزش و یادگیری رفتار می کند. آموزگاران که آموزش های یادگیرنده محور را ارائه می دهند، یادگیرنده را در تصمیم گیری در مورد چگونگی و آنچه که یاد می گیرند و نحوه ارزشیابی آن یادگیری را شامل می شوند، و به تفاوت های فردی در زمینه علایق، توانایی ها و تجربیات یادگیرندگان احترام می گذارند و آنها را در نظر می گیرند (McCombs & Whistler, 2002).

نقش آموزگار در کلاس های یادگیرنده محور تشویق یادگیرندگان به یادگیری اکتشافی بیشتر و یادگیری از یکدیگر است. آموزگار بر ساختن تکالیف واقعی تمرکز می کند که مشارکت و همکاری یادگیرنده را در بر می گیرد (Weimer, 2002). دانش آموزان زمانی موفق می شوند که چیزی که می آموزند برایشان با اهمیت باشد. در یادگیری یادگیرنده محور، علاقه یادگیرندگان باعث آموزش می شود. یادگیری یادگیرنده محور به یادگیرندگان این فرصت را می دهد که در مورد دو چیز تصمیم بگیرند: چه مطالبی را یاد می گیرند و چگونه آن را یاد می گیرند. (این مفهوم گاهی اوقات به عنوان یادگیری شخصی نیز شناخته می شود). برخلاف رویکردهای آموزگار محور، در یادگیری یادگیرنده محور، یادگیرندگان را به عنوان رهبر و تصمیم گیرنده در یادگیری خود درگیر می کند (Cannon, 2000).

به عنوان مثال، در دبیرستان پوردو، ایالت متحده، یادگیرندگان در کلاس پایه های خود در یادگیری یادگیرنده محور شرکت می کنند، زیرا چالش های دنیای واقعی را که توسط شرکای اجتماعی ایجاد می شود حل می کنند. یادگیرندگان پژوهشهای خود را بر برنامه ریزی می کنند، راه حل توصیه می کنند، ایده های خود را به آموزگاران و اعضای جامعه منتقل می کنند و موفقیت خود را در حین حرکت ارزشیابی می کنند. آموزگاران به هدایت این فرآیند کمک می کنند، اما محتوا، زمان و انگیزه به خود یادگیرندگان بستگی دارد (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

هر یادگیرنده ای از آموزش سود می برد، صرف نظر از اینکه چقدر نیازهای یادگیری آنها متنوع است، انگیزه یادگیرنده و یادگیری واقعی زمانی افزایش می یابد که یادگیرندگان در یادگیری خود سهمی داشته باشند و به عنوان همکار در فرآیند یادگیری با آنها رفتار شود. علاوه بر این، موفقیتها در فناوری ارتباطات دانشی با معرفی روش های تدریس یادگیرنده محور مانند برنامه های کاربردی یادگیری چندرسانه ای، بر توسعه آموزش تأثیر گذاشته است (Aaronsohn, 2002).

رویکرد یادگیرنده محور به تدریس نیز توسط یادگیرنده ترجیح داده می شود. به عنوان مثال، نگوین، ویلیامز و نگوین (۲۰۱۲) دریافتند که استفاده از آزمایش ها در تدریس ۲۴ درصد است در حالی که ترجیحات آنها توسط یادگیرنده ۷۲٫۳ درصد است. بنابراین مدارس باید تلاش می کنند از روش های یادگیرنده محور مکرراً استفاده کنند (Stuart, 2015).

علیرغم این تحولات در آموزش، روش تدریس غالب در مدارس هنوز با انتقال دانش مشخص می شود و متمرکز بر آموزگار است. ماجانگا، ناسانگا و سیلویا جاکوب (۲۰۱۵) دریافتند که متداول ترین روش های تدریس در آموزش علوم در کلاس ها، روش های سخنرانی و نمایش هستند. به گفته شوایسفورث (۲۰۱۱)، آموزش آموزگاران در کشورهای در حال توسعه به ندرت یادگیرنده محور است و مدل های مناسبی را ارائه نمی دهد که آموزگاران بتوانند بر اساس آن تدریس کنند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین گاهی اوقات بیش از حد نظریه محور است. محتوای برنامه های تربیت آموزگار به اندازه کافی بر تمرین تأملی، یادگیری فعال، نوآوری، خلاقیت، یا ایجاد مشارکت متمرکز نیست. ما نباید از فارغ التحصیلان چنین آموزشی، انتظار داشته باشیم که آنچه را که در وهله اول به آنها تلقین نشده بود به یادگیرندگان یاد دهند (Weimer, 2002).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بنابراین، باید تلاش کنیم تا مطمئن شویم که آموزگاران به خوبی مجهز و آموزش دیده اند تا روش های یادگیرنده محور را اجرا کنند، زیرا این روش ها با اهمیت ترین عوامل مرتبط با مدرسه موثر بر پیشرفت یادگیرندگان هستند (McCombs & Whistler, 2002).

خصوصیات یادگیری یادگیرنده محور

آموزش یادگیرنده محور برای تقویت یادگیری مؤثر است. این نوع آموزش مزایای مختلفی دارد که عبارتند از: یادگیرنده را توانا می سازد تا دانش جدید را با دانش موجود به روش های معنی دار پیوند دهند، یادگیرندگان را قادر می سازد تا دانش منسجم معناداری ایجاد کنند و تفکر خلاق و انتقادی را در یادگیرندگان تسهیل می کند (Goldsmith et al, 2004). با وجود این، بسیاری از روش های تدریس در هنوز بر آموزگار متمرکز هستند. آکرز و هاردمن (۲۰۰۱) و پیترسون (۲۰۰۹) خاطرنشان کردند که بیشتر آموزگاران هنوز "روش های مرسوم" را برای تکمیل برنامه های درسی در یک دوره زمانی معین ترجیح می دهند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

آیا بهترین کلاسی که تا به حال داشته اید را به یاد دارید؟ کلاسی که در آن بیشتر اعتماد به نفس داشتید؟ که در آن بهترین آموختید؟ به احتمال زیاد، این کلاسی بود که در آن دانش جدیدی را کشف کردید و انگیزه یادگیری را هم توسط آموزگار و هم به دلیل تمایل ذاتی به دانستن بیشتر داشتید. کلاس درس یادگیرنده محور با افزایش انگیزه و تلاش یادگیری را تسهیل می کند (Cannon, 2000).

مدل یادگیرنده محور مستلزم آن است که آموزگاران هر یادگیرنده را متمایز و منحصر به فرد ببینند. این بدان معناست که یادگیرندگان در هر کلاس درس با سرعت های متفاوتی با روش های مختلف یاد می گیرند، توانایی ها و استعداد های متفاوتی دارند، احساس کارآمدی آنها ممکن است متفاوت باشد و ممکن است در مراحل مختلف رشد باشند (Goldsmith et al, 2004). در این مدل، یادگیری فرآیندی سازنده است که برای یادگیرنده مرتبط و معنادار است و به دانش و تجربه قبلی یادگیرنده مرتبط است. محیط یادگیری از تعاملات مثبت بین یادگیرندگان پشتیبانی می کند و فضای حمایتی را فراهم می کند که در آن فرد ناب احساس قدرانی، تایید، احترام و اعتبار می کند. یادگیرنده به جای تلاش برای "تعیین" یادگیرنده، قدرت تسلط بر دنیای خود را از طریق فرآیند طبیعی یادگیری دارد (McCombs & Whistler, 2002). در زیر نمونه هایی از نقش ها و مسئولیت های تغییر یافته در کلاس درس یادگیرنده محور آورده شده است.

یادگیرندگان

- ۱- در یادگیری خود مشارکت فعال دارند.
- ۲- در مورد اینکه چه چیزی و چگونه یاد خواهند گرفت تصمیم بگیرند.
- ۳- با تکیه بر دانش و مهارت های فعلی، دانش و مهارت های جدید ایجاد کنند.
- ۴- انتظارات را درک کرده و تشویق می شوند تا از معیارهای خود ارزشیابی استفاده کنند.
- ۵- یادگیری خود را برای توسعه راهبردهای یادگیری زیر نظر داشته باشند.
- ۶- با سایر یادگیرندگان همکاری کنند.
- ۷- کار تولید کنند که یادگیری معتبر را نشان دهد (Weimer, 2002).

آموزگاران

- ۱- روش های مختلف یادگیری را بشناسید و با آنها کنار بیایید.
- ۲- ساختار را بدون دستور دادن بیش از حد ارائه دهید.
- ۳- به دیدگاه هر یادگیرنده گوش دهید و به آن احترام بگذارید.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- ۴- تصمیم گیری مشترک یادگیرندگانرا تشویق و تسهیل کنید.
 - ۵- به یادگیرندگانکمک کنید تا با پرسیدن سؤالات باز برای دستیابی به نتیجه گیری یا راه حل هایی که برایشان رضایت بخش است، مشکلات را حل کنند (Stuart, 2015).
- یادگیری
- ۱- جستجوی فعال معنا توسط یادگیرنده.
 - ۲- ساختن دانش به جای دریافت منفعلانه آن - شکل دادن و همچنین شکل گیری توسط تجربیات.
- از راهبردها و روش های آموزشی استفاده می شود
- ۱- مدیریت زمان به روش های انعطاف پذیر برای مطابقت با نیازهای یادگیرنده.
 - ۲- شامل فعالیت های یادگیری که شخصاً به یادگیرندگانمربوط می شود.
 - ۳- به یادگیرندگانمسئولیت فزاینده ای در قبال فرآیند یادگیری بدهید (Cannon, 2000).
 - ۴- سؤالات و تکالیفی را ارائه دهید که فراتر از به خاطر سپردن رونوشت، تفکر یادگیرندگانرا تحریک کند.
 - ۵- به یادگیرندگانکمک کنید تا درک خود را با استفاده از مهارت های تفکر انتقادی اصلاح کنند.
 - ۶- از یادگیرندگاندر توسعه و استفاده از راهبردهای یادگیری مؤثر برای هر کار حمایت کنید.
 - ۷- آموزش از طریق همتا و همتا را به عنوان بخشی از روش آموزشی در نظر بگیرید. (McCombs & Whistler, 2002).

روش استفاده یادگیرندگان از یادگیری یادگیرنده محوری

هر یادگیرنده ای از آموزش مؤثر سود می برد، صرف نظر از اینکه چقدر نیازهای یادگیری آنها متنوع است انگیزه یادگیرنده و یادگیری واقعی زمانی افزایش می یابد که یادگیرندگانسهمی در یادگیری خود داشته باشند و به عنوان همکار در فرآیند یادگیری با آنها رفتار شود. (McCombs & Whistler, 2002). علاوه بر این، یادگیرندگانی که در قبول مسئولیت های جدید با موفقیت مواجه می شوند، اعتماد به نفس پیدا می کنند و نسبت به خود احساس خوبی دارند. یادگیرندگانزمانی موفقیت بالاتر را نشان می دهند که بتوانند موفقیت را به جای شانس، به توانایی ها و تلاش خود نسبت دهند (Moffett & Wagner, 2009).

با این حال، روند حرکت به سمت یادگیری یادگیرنده محور برای یادگیرندگانزیرگسال همیشه آسان نیست. بسیاری در ابتدا در برابر آنچه که به عنوان کناره گیری آموزگاران از مسئولیت خود برای مدیریت آموزش تلقی می کنند، مقاومت می کنند. دانستن اینکه ممکن است این اتفاق بیفتد می تواند به ایجاد بحث درباره تغییرات آشکارا کمک کند و نقش های جدیدی را برای یادگیرندگان و آموزگاران مذاکره کند (Weimer, 2002).

کلاس های یادگیرنده محور

یادگیری یادگیرنده محور پیامدهای ظریف اما عمیقی برای آموزگاران دارد. برای حرکت به سمت این مدل جدید، آموزگاران باید تمایل داشته باشند که بر یادگیری تأکید کنند و در عین حال قدرت را با یادگیرندگاندر کلاس به اشتراک بگذارند (Barr & Tagg, 2011).

این را می توان با برنامه ریزی و استفاده از مراحل افزایشی به روشی متفکرانه انجام داد. اول، آموزگاران به یادگیرندگانکمک کنند تا برای خود اهداف تعیین کنند و فعالیت های خودراهبری را ارائه دهند که از طریق آن یادگیرندگانبتوانند هم اعتماد به نفس و هم مهارت های یادگیری خود را ایجاد کنند. در نتیجه، یادگیرندگانانگیزه می گیرند تا کنترل بیشتری بر یادگیری خود داشته باشند و آموزگاران در مدیریت محیط جدید اعتماد به نفس داشته باشند (Moffett & Wagner, 2009).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در مرحله بعد، آموزگاران می‌توانند یادگیرندگان را تشویق کنند تا بفهمند چگونه بهترین یاد می‌گیرند و می‌توانند راهکارهای عملی مختلف مناسب برای هر یادگیرنده‌ها به کار گیرند. به اشتراک گذاشتن تصمیم‌گیری یادگیرندگان با به آنها کمک می‌کند تا به خودشان را بیشتر کنند (Goldsmith et al, 2004).

زمانی که یادگیرنده به خودی خود هدایت می‌شود، یعنی اهداف و استانداردهای خود را تعیین می‌کند، آموزگار به تسهیلگری تبدیل می‌شود که معیارها، جدول‌های زمانی، فهرست منابع، همکاری‌ها و غیره را مرور می‌کند. در آموزش خود انتخاب دارند، آنها مسئول یادگیری خود هستند، پیشرفت‌های خود را اندازه‌گیری می‌کند و در کلاس درس قدرت دارند (Barr & Tagg, 2011).

نقش آموزگار از "حکیم روی صحنه" به "راهنما در کنار" تبدیل می‌شود. آموزگاران کمتر هدایت می‌کنند و بیشتر تسهیل می‌کنند و یادگیرندگان مسئولیت سازمان‌دهی محتوا، تولید مثال‌ها، طرح و پاسخ به سؤالات و حل مسائل را بر عهده می‌گیرند. آموزگار کارهای طراحی بیشتری انجام می‌دهد، کارهای واقعی را می‌سازد که مشارکت یادگیرنده را تشویق می‌کند. آموزگاران نحوه برخورد با تکالیف یادگیری را مدل می‌کنند یا نشان می‌دهند و یادگیرندگان تشویق می‌کنند تا از یکدیگر یاد بگیرند. آموزگار مسئولیت حفظ جو یادگیری را بر عهده دارد. (McCombs & Whistler, 2002).

آموزگاران که الگوی یادگیرنده محوری را اجرا می‌کنند از آموزش کل کلاس به تحقیق گروهی کوچک و فردی می‌روند. این گروه بندی‌ها ناهمگن هستند و نیاز به آموزش متمایز دارند (Moffett & Wagner, 2009). آموزگار به جای مشغول نگه داشتن یادگیرندگان با کار فردی، بر موضوعات مورد علاقه گروه‌های کوچک تمرکز می‌کند و در آن زمینه‌ها تحقیق ایجاد می‌کند (Barr & Tagg, 2006). یادگیرندگان همچنین از خواندن و استفاده از مطالب معتبر به جای کتاب‌های درسی و کتاب خوان‌های پایه سود می‌برند (Stuart, 2015). زمانی که به طور کامل محتوا و حفظ می‌شد، اکنون با زمان صرف شده برای یادگیری نحوه یادگیری و نحوه درک محتوا متعادل می‌شود. ارزشیابی در کلاس درس یادگیرنده محور به کارنامه‌هایی متکی است که شامل هر دو ارزشیابی توسط آموزگار و خود ارزشیابی می‌شود. (McCombs & Whistler, 2002).

نقش آموزگار در یادگیری یادگیرنده محور

آموزگاران از یادگیری یادگیرنده محور در کلاس‌های درس خود استفاده کنند تا انگیزه یادگیرندگان را افزایش دهند، به یادگیرندگان کمک کنند تا بر یادگیری خود مالکیت داشته باشند و روابط قوی ایجاد کنند. سه راه برای تفکر در مورد نقش آموزگاران در یادگیری یادگیرنده محور عبارتند از: منابع، آموزگاران و راهنماها (Stuart, 2015).

منابع

در یادگیری یادگیرنده محور، آموزگاران به عنوان کارشناسان و منابع کلیدی دانش عمل می‌کنند و یادگیرندگان مسئولیت دسترسی به آن دانش را به اشتراک می‌گذارند. در این جلسات، یادگیرندگان مسئول بودند تا در برقراری ارتباط با آنچه که می‌دانند و آنچه که نمی‌دانند، رهبری کنند و ضمن استفاده از دانش و تخصص آموزگاران، مهارت‌های حیاتی دفاع از خود را بیاموزند. (Barr & Tagg, 2011).

آموزگاران همچنین منابعی برای ارتباط یادگیرندگان با مشارکت‌های خارج از کلاس درس هستند. این نوع ارتباط با ایجاد ارتباط بین یادگیرندگان با علایق خارج از مدرسه، درگیر کردن آنها در محیط‌های کاری و تقویت ارتباطات شغلی، راه قدرتمندی برای پیاده‌سازی یادگیری یادگیرنده محور است. (McCombs & Whistler, 2002).

مربیان

روابط برای یادگیری بسیار مهم هستند، و این به ویژه در یادگیری یادگیرنده محور صادق است. روابط قوی با بزرگسالان مورد اعتماد به یادگیرندگان اعتماد به نفس و انگیزه لازم برای رهبری یادگیری خود را می‌دهد (Weimer, 2002).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

راهنماها

آموزگاران ساختار و راهنمایی هایی را ارائه می دهند که یادگیرندگان قادر می سازد بر چالش ها غلبه کنند و ببینند که چگونه کار کلاسی آنها با علایق و اهداف بزرگتر مرتبط است. به عنوان مثال، در مدرسه ای در سنفورد، فلوریدا، آموزگاران نقشه های محتوای بصری ایجاد می کنند که یادگیرندگان و والدین می توانند برای دیدن تصویر بزرگ از سفر یادگیری یادگیرنده در هر واحد خاص به آن دسترسی داشته باشند. درک اینکه چگونه کار روزانه آنها به اهداف آینده ترجمه می شود، انگیزه درونی یادگیرندگانرا فعال می کند و به آنها اجازه می دهد رهبری را به دست بگیرند (Barr & Tagg, 2011).

مزیت های روش یادگیرنده محور

مدارس بیشتری به دلیل مزایایی که برای یادگیرندگان دارد، به سمت رویکرد یادگیری یادگیرنده محور حرکت می کنند. یادگیری یادگیرنده محور بر درک شهودی یادگیرندگان از آنچه از آموزش خود نیاز دارند، ایجاد می کند و محیط های یادگیری معناداری را ایجاد می کند که پژوهشها نشان می دهد که یادگیرندگان درگیر و با انگیزه هستند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

۱- شخصی سازی نگرش یادگیرندگانرا نسبت به یادگیری بهبود می بخشد.

۲- خدمات و یادگیری مبتنی بر پروژه باعث افزایش مشارکت یادگیرندگان می شود

۳- آموزش خودتنظیمی به یادگیرندگان باعث بهبود عملکرد تحصیلی می شود (Woodhall, 2012).

۴- روابط قوی تر بین یادگیرندگان و آموزگاران از طریق حرکات تجربی مشترک در مهارت های ارتباطی و همکاری یادگیرندگان

۵- موفقیت در توانایی یادگیرندگان برای تفکر و کار مستقل

۶- افزایش علاقه یادگیرندگان به فعالیت های مدرسه و آموزش به طور کلی

۷- روابط قوی تر بین یادگیرندگان و آموزگاران از طریق تجربیات مشترک (Moffett & Wagner, 2009).

همچنین از مزایای دیگر این روش تدریس عبارتند از:

مطالعات متعددی وجود دارد که به دنبال یادگیرندگانی که با رویکرد یادگیرنده محور آموزش داده شده اند، نشان می دهد که نه تنها انگیزه یادگیرنده افزایش می یابد، بلکه یادگیری و عملکرد واقعی نیز افزایش می یابد (Weimer, 2002).

یادگیرندگانی که در یک کلاس درس یادگیرنده محور تدریس می شوند، مطالب بیشتری را برای مدت زمان طولانی تری حفظ می کنند (Goldsmith et al, 2004). برای یادگیری، مغز نمی تواند به سادگی دانش را دریافت کند. همچنین باید دانش را پردازش کند تا بتوان آنها را ذخیره و فراخوانی کرد. ماهیت فعال رویکرد یادگیرنده محور به یادگیرندگان کمک می کند تا در واقع با دانش کار کنند و بنابراین آن را یاد بگیرند و چگونه آنها را ذخیره کنند (Moffett & Wagner, 2009).

حتی فراتر از آنچه باید بدانند، یادگیرندگان از یک اثر جانبی کمتر آکادمیک آموزش یادگیرنده محور بهره می برند. آنها یاد می گیرند که چگونه نسبت به خود احساس خوبی داشته باشند. همانطور که آنها مسئولیت های جدیدی را بر عهده می گیرند و با این مسئولیت ها موفق می شوند (Woodhall, 2012). حتی بیشتر، پژوهشها نشان می دهد که یادگیرندگان زمانی که به خود اعتماد دارند و موفقیت را به توانایی های خود نسبت می دهند و نه به شانس یا به دیگران کمک می دهند، پیشرفت های بالاتری دارند. در رویکرد یادگیرنده محور، این خود یادگیرندگان هستند که مسئول موفقیت یک درس هستند و به همین دلیل تمایل دارند نسبت به موفقیت یادگیری خود احساس مسئولیتشان افزایش می یابد. (Barr & Tagg, 2011).

انواع رویکردهای یادگیرنده محور

رویکرد یادگیرنده محور با مدل آموزشی سنتی آموزگار محور بسیار متفاوت است. در رویکرد یادگیرنده محور به یادگیری، کلاس های درس از آموزش مستقیم به محیط جامعه محورتر حرکت می کنند، محیطی که از توانمند سازی یادگیرنده، گفتگو،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مهارت‌های تفکر انتقادی، استقلال و تکنیک‌های حل مسئله پشتیبانی می‌کند. در کلاس‌های یادگیرنده محور، تغییر از آموزگار آغاز می‌شود. راهبردهای یادگیری یادگیرنده محور، یادگیرندگانرا در فرآیند برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی کلی مستلزم و درگیر می‌کند (Aaronsohn, 2002). همانطور که آموزگاران به اصلاح شیوه‌های آموزشی خود ادامه می‌دهند، در اینجا چندین استراتژی برای اجرای کلاس درس یادگیرنده محور وجود دارد:

تابلوهای انتخاب

تابلوهای انتخاب به یادگیرندگان اجازه می‌دهند تا فعالیت‌هایی را که برای تمرین یک مهارت یا نشان دادن درک کامل انجام می‌دهند، انتخاب کنند. در این رویکرد به یادگیری، به یادگیرندگان فرصت‌های مالکیت و توانمندسازی داده می‌شود در حالی که آموزگاران آموزش خود را متمایز می‌کنند. تابلوهای انتخاب را می‌توان نه تنها برای اهداف ارزیابی، بلکه برای معرفی مطالب جدید، برای تمرین تکمیلی یا به عنوان ترکیبی از بخش‌های متعدد یک درس یا واحد مورد استفاده قرار داد. (McCombs & Whistler, 2002).

ایستگاه‌ها

اگرچه روش ایستگاه‌ها یک مفهوم قدیمی است، اما تکامل یافته و به یک رویکرد مرکز تبدیل شده است. در ابتدایی‌ترین شکل خود، این استراتژی شامل استفاده یادگیرندگان از یادگیری مشارکتی می‌شود که به دنبال کنار هم قرار دادن «پازل» هستند (Barr & Tagg, 2006). هر یادگیرنده مسئولیت یک جزء فردی از دانش را بر عهده می‌گیرد، سپس دانش آموخته شده و به دست آمده را می‌گیرد و آن را در بخش بزرگتر کار (پازل) به کار می‌برد. این استراتژی در سطوح ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان با آموزگاران که ایستگاه‌ها و مراکز را در کلاس خود ایجاد می‌کنند تا به تسهیل بخش دانش فردی یا گروه‌های کوچک استراتژی کمک کند، که منجر به نوعی ارائه، بحث و گفتگو می‌شود (Moffett & Wagner, 2009).

یادگیری مبتنی بر تحقیق

در این استراتژی یادگیری، سوالات، ایده‌ها و تحلیل‌های یادگیرنده با تمرکز بر دیدگاه یادگیرنده در مورد یک سوال یا مشکل باز خاص برجسته و تقویت می‌شوند. این استراتژی به ویژه برای مشارکت اولیه یادگیرنده مفید است و یادگیرندگان را به سمت فراتر رفتن از دانش پایه به درک عمیق‌تر تفکر انتقادی، استدلال مبتنی بر شواهد و حل خلاقانه مسئله سوق می‌دهد. در یادگیری مبتنی بر پرس و جو، اجزای مختلف یک درس می‌تواند شامل مطالعات موردی، پروژه‌های گروهی و پروژه‌های تحقیقاتی باشد. ارتباطات عمیق‌تر با مطالب فرصت‌هایی را برای یادگیرندگان فراهم می‌کند تا مهارت‌هایی را که در دنیایی که اکنون در آن زندگی می‌کنیم بسیار ارزشمند هستند، تقویت کنند (Barr & Tagg, 2011).

یادگیری پروژه محور و یادگیری مبتنی بر مشکل

آموزگاران اصطلاحات آموزشی مخصوص به خود را دارند و اغلب اوقات یادگیری مبتنی بر مشکل را می‌شنوید که در بحث‌های آموزگاران استفاده می‌شود. دو استراتژی یادگیری که بیشتر اجرا می‌شوند، یادگیری مبتنی بر پروژه و یادگیری مبتنی بر مشکل هستند. در یادگیری مبتنی بر پروژه، یادگیرندگان روی کارهای طولانی‌تری کار می‌کنند که به ایجاد یک ارائه یا محصول اصلی ختم می‌شود. این استراتژی یادگیری به شدت به همکاری، ارتباط و خلاقیت یادگیرنده بستگی دارد و آموزگار به عنوان تسهیل‌کننده کار و موفقیت یادگیرنده عمل می‌کند (کمالی و علیزاده، ۲۰۱۸).

یادگیری مبتنی بر مسئله شامل پروژه‌های کوتاه‌تری است که یک مشکل فعلی را بررسی می‌کند و از طریق تعریف، تحقیق و علل مشکل، یادگیرندگان به طور مشترک راه حل‌های مشکل انتخابی را ارزشیابی می‌کنند، مشکل را حل می‌کنند یا راه حل‌ها و یا یافته‌های بالقوه را گزارش می‌دهند. هر دوی این راهبردهای یادگیری از ارتباطات واقعی و مرتبط با دنیای خارج استفاده می‌کنند و تجربیات ارزشمندی را در زمینه حل مسئله و فرصت‌های تفکر انتقادی برای یادگیرندگان فراهم می‌کنند که پس از فارغ التحصیلی برای آنها مناسب خواهد بود (کمالی و علیزاده، ۲۰۱۸).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کلاس های درس معکوس

آموزگاران به طور مداوم به دنبال راه هایی برای به حداکثر رساندن زمان آموزشی در کلاس درس هستند. یک استراتژی یادگیری که این را در نظر می گیرد، استفاده از کلاس درس معکوس است. در این فرمت یادگیری، محتوای جدید یا مقدماتی به یادگیرندگان خارج از کلاس ارائه می شود، با آموزگاران بسیاری از راهکارهای عملی مانند تابلو های انتخاب برای انتخاب یادگیرنده یادگیری خود که قبلاً مورد بحث قرار گرفته اند. مطالب آموزشی می تواند شامل خواندن، فیلم، ارائه های از پیش ضبط شده یا آموزش مستقیم یا تکالیف پژوهشی باشد (Moffett & Wagner, 2009).

در این مدل، آموزگار از زمان کلاس درس برای تسهیل یادگیری استفاده می کند و به یادگیرندگان کمک می کند تا با استفاده از دانش آموخته شده خارج از کلاس تمرین کنند (Goldsmith et al, 2004). به جای «بلیط خروج» معمولی، که در آن یادگیرندگان بلیتی را تحویل می دهند که نشان دهنده تسلط یا سوالات بیشتر در مورد درک است، یادگیرندگان از «بلیط ورودی» استفاده می کنند که در آن با یک تکلیف تکمیل شده، پاسخ کتبی، آزمون یا پست وبلاگ وارد کلاس می شوند. به عنوان "بلیت" آنها خدمت می کند. در نهایت، مدل کلاس درس معکوس می تواند چندین استراتژی یادگیری یادگیرنده محور را در خود بگنجاند و امروزه در مدارس بسیار محبوب است (Barr & Tagg, 2011).

راهکارهای عملی یادگیری یادگیرنده محور

راهکارهای عملی یادگیری یادگیرنده محور در دوره ابتدایی نقش مهمی در ترغیب به یادگیری فعال یادگیرندگان دارند. در ادامه، راهکارهایی برای اجرای این استراتژی ها در دوره ابتدایی آورده شده است:

۱. تنوع در روش های آموزشی:
 - استفاده از روش های مختلف آموزشی مانند بازی های آموزشی، داستان گوئی، فیلم های آموزشی و فعالیت های گروهی.
 - تنظیم جلسات آموزشی به گونه ای که هر یادگیرنده با ترجیحات خود مواجه شود.
۲. استفاده از تجربه واقعی:
 - برگزاری سفرهای آموزشی به موزه ها، پارک های علمی، و محیط های طبیعی برای ایجاد تجربه های واقعی و کاربردی برای یادگیرندگان.
 - ارتباط محتوای درس با واقعیت های روزمره یادگیرندگان.
۳. استفاده از فناوری:
 - معرفی نرم افزارها و اپلیکیشن های آموزشی جذاب برای تقویت مهارت های یادگیرندگان.
 - ایجاد پروژه های مبتنی بر تکنولوژی که به یادگیرندگان این امکان را می دهد تا خود را در موضوعات مختلف بیازمایند.
۴. تشویق به پرسش و تحقیق:
 - ترغیب یادگیرندگان به ارائه سوالات و پرسش های خود در مورد مطالب درسی.
 - تشویق به انجام تحقیقات کوچک و ارائه نتایج به همکلاسی ها.
۵. توجه به استعدادها و علایق شخصی:
 - شناخت و توجه به استعدادها و علایق هر یادگیرنده.
 - ایجاد فرصت هایی برای ارتقاء و توسعه استعداد های فردی.
۶. استفاده از بازخورد مثبت:
 - ارائه بازخورد مثبت و تشویق به تلاش و پیشرفت هر یادگیرنده.
 - برگزاری جلسات بازخورد فعال با هدف ارتقاء یادگیری یادگیرندگان (پورامامی و همکاران، ۱۳۹۶).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۷. همکاری و گروهی:
 - ترویج فعالیت‌های گروهی و همکاری در کلاس.
 - ایجاد پروژه‌ها و فعالیت‌هایی که نیاز به همکاری یادگیرندگان داشته باشد.
 ۸. ترکیب درس‌ها با هنر و خلاقیت:
 - ادغام هنرها و فعالیت‌های خلاقانه در درس‌ها برای جلب توجه و افزایش خلاقیت یادگیرندگان.
 - استفاده از نمایش‌های تئاتر یا نقاشی برای به تصویر کشیدن مفاهیم درسی.
 ۹. ترکیب ارزیابی‌های متنوع:
 - استفاده از ارزیابی‌های متنوع شامل آزمون‌ها، پروژه‌ها، ارائه‌ها و نقدهای همتا.
 - اعلام اهداف امتیازدهی و ارائه بازخورد سازنده.
 ۱۰. ترتیب دادن به یادگیری مبتنی بر سوال:
 - ایجاد سوالات استنباطی و تفکر انتقادی برای ارتقاء توانمندی‌های تفکری یادگیرندگان.
 - اشتیاق یادگیرندگان را به چالش کشیدن مفاهیم و حل مسائل افزایش دهید.
 ۱۱. توجه به تفاوت‌های فردی:
 - تطبیق درس‌ها به نیازها و سطوح یادگیری مختلف یادگیرندگان.
 - ایجاد فرصت‌ها برای پشتیبانی اضافی برای یادگیرندگانی که به تقویت نیاز دارند.
 ۱۲. ارتقاء مهارت‌های مدیریت زمان:
 - آموزش مهارت‌های مدیریت زمان به یادگیرندگان به منظور بهبود برنامه‌ریزی و اجرای بهتر وظایف درسی.
 ۱۳. تشویق به مطالعه خودآموز:
 - ترغیب یادگیرندگان به مطالعه خودآموز و ارتباط آن با محتوای درسی.
 - ارائه لیست کتب و منابع پیشنهادی جذاب برای یادگیرندگان.
 ۱۴. ترویج انعطاف‌پذیری در یادگیری:
 - تشویق یادگیرندگان به پذیرش چالش‌ها و اشتباهات به عنوان فرصت‌های یادگیری.
 - ایجاد فرهنگی که از انعطاف‌پذیری و تلاش برای بهبود حمایت کند (Stuart, 2015).
- استفاده هوشمندانه از این راهکارها در کنار یکدیگر می‌تواند باعث ایجاد یک محیط یادگیری فعال و ترغیب‌آمیز در دوره ابتدایی شود.

بحث و نتیجه گیری

مدلهای آموزشی همانطور که می‌دانیم در حال تغییر است. اکنون بیش از هر زمان دیگری، راهکارهای عملی یادگیرنده محور به یادگیری بسیار مهم است. همانطور که مدیران مدارس به دنبال ایجاد ظرفیت در آموزگاران خود هستند، ما نیز باید به دنبال ایجاد ظرفیت، رهبری، مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسائل پیچیده در یادگیرندگان خود باشیم. راهکارهای عملی یادگیری یادگیرنده محور فرصت‌های توانمند سازی را فراهم می‌کنند که اجازه می‌دهد به فراتر از ارزیابی‌های اجباری یا برنامه‌های درسی استاندارد مبتنی بر استاندارد بپردازید. استفاده از استراتژی‌های مورد بحث می‌تواند شما را در مسیری قرار دهد که یادگیرندگانی آماده ایجاد تغییر در یک جامعه جهانی و همیشه در حال تغییر باشند.

همانطور که برای ایجاد دروسی کار می‌کند که نیازهای شخصی یادگیرندگان را برآورده کند، بسیار مهم است که به خاطر داشته باشید که چگونه تجربه و ظرفیت هر یادگیرنده در مدرسه تحت تأثیر شرایط فردی آنها قرار می‌گیرد. درک و همدلی با



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

هر یادگیرنده‌ی برای ایجاد یک برنامه یادگیری که برای آنها کار می‌کند بسیار مهم است. آموزگاران می‌توانند هر شخصیت را بررسی کنند تا ببینند که چگونه تجربه مدرسه آن یادگیرنده تحت تأثیر سایر شرایط زندگی قرار می‌گیرد و در انجام این کار، در نظر بگیرند که چه امکاناتی برای درس‌ها می‌تواند به موفقیت آن یادگیرندگان کمک کند (Stuart, 2015).

یادگیری یادگیرنده محور بدون انتقاد نیست، اما به طور کلی، تجربه مثبتی دیده شده است، به عنوان مثال، بر ارزش یادگیری یادگیرنده تأکید می‌کند: «قرار دادن یادگیرنده در قلب فرآیند یادگیری و رفع نیازهای آنها، به گامی پیشرونده برداشته می‌شود که در آن رویکردهای یادگیرنده محور به این معنی است که افراد می‌توانند آنچه را که برای آنها مرتبط است به روش‌های مناسب بیاموزند. ضایعات در منابع انسانی و آموزشی کاهش می‌یابد زیرا یادگیرندگان دیگر مجبور نیستند آنچه را که قبلاً می‌دانند یا می‌توانند انجام دهند یا آنچه را که به آن بی‌علاقه هستند یاد بگیرند.

تکنولوژی نقش جالب و اساسی در رویکرد متمرکز یک مدرسه به آموزش و مدیریت مبتنی بر نتایج یادگیری یادگیرنده ایفا می‌کند. این روش آموزگاران را مجبور می‌کند تا با تأمل بیشتری در مورد طراحی، ارائه و ارزشیابی دوره فکر کنند. این روش می‌تواند راه‌های خلاقانه جدیدی را برای تعامل با یادگیرندگان ترکیب مواد بسیار مدرن تحریک کند و در عین حال آموزگاران را نسبت به طیف وسیعی از چالش‌ها و امکانات ذاتی در کاربرد فناوری‌های آموزشی حساس کند.

منابع

- ۱- پورامامی، علی و خاوری، اسد و میرزاوند، علی و عابدی، مهدی، ۱۳۹۶، برخی از روش‌های تدریس دانش آموز محور، کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، شیراز.
- ۲- رضایی، باقرزاده، فضل‌الله، شیخ، محمود، حمایت‌طلب، داوود. (۲۰۲۰). تأثیر دوروش تدریس کودک محور و معلم محور بر رشد حرکتی درشت دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی. رفتار حرکتی، ۱۲(۴۲)، ۱۷-۳۶.
- 3-Aaronsohn., E. (2002). Going against the grain: Supporting the student-centered teacher. Thousand Oaks, CA: Corwin Press.
- 4-Barr, R., & Tagg, J. (2006). From teaching to learning—A new paradigm for undergraduate education. Change, 13-25.
- 5-Barr, R., & Tagg, J. (2011). From teaching to learning—A new paradigm for undergraduate education. Change, 13-25.
- 6-Cannon, R. (2000). Guide to support the implementation of the Learning and Teaching Plan Year 2000. Australia: The University of Adelaide
- 7-Goldsmith, M., Morgan, H. & Ogg, A.J. (2004). Leading organizational leading: Harnessing the power of knowledge. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- 8-McCombs, B. & Whistler, J. (2002). The learnercentered classroom and school: Strategies for increasing student motivation and achievement. San Francisco: Jossey-Bass Publishers.
- 9-Moffett, J., & Wagner, B. J. (2009). Student-centered language arts, K-12. Portsmouth, NH: Boynton/Cook Publishers Heinemann.
- 10-Stuart, A. (2015). Student-centered learning. Learning, 26, 53- 56.
- 11-Weimer, M. (2002). Learner-centered teaching: Five key changes to practice. San Francisco: Jossey-Bass Publishers.
- 12-Woodhall, M. (2012). Cost-benefit analysis in educational planning (3rd Ed.). UNESCO: International Institute for Educational Planning.